

در اواسط ماه ژوئن، نیروهای امنیتی افغان در مناطق دورافتاده، بدون حمایت دولت افغانستان، شروع به ترک پست‌های خود کردند و بسیاری از آنها شکایت داشتند که مواد غذایی آنها تمام شده است

پیش روی طالبان تشدید شد. طالبان در ماه ژوئیه کنترل مناطق روستایی بیشتری را به دست گرفت و در اوایل ماه اوت شروع به هدف قرار دادن مناطق شهری نیز کرد. سپس پیشروی خیره‌کننده‌ای را در شهرهای بزرگ و مراکز قدرت استانی افغانستان آغاز کرد. این گروه ستیزه‌جو اولین مرکز استان خود را در ۶ اوت بدون هیچ درگیری به تصرف خود درآورد. ۹ روز بعد، کنترل تمام شهرهای بزرگ کشور، از جمله کابل را در دست داشت و تنها در تعداد معدودی از آنها با مقاومت نیروهای افغان مواجه شد.

## یک نیروی جنگی سرخورده و بی‌روحیه، مملو از فساد

دنیل دیل از سی‌ان‌ان گزارش می‌دهد که ایالات متحده گفته است که بیش از ۳۰۰۰۰ نفر از نیروهای امنیتی افغانستان وجود داشته است، اما تعداد واقعی ممکن است به نصف این تعداد باشد، زیرا تعداد رسمی بدون شک

به دلیل فساد طولانی مدت افزایش یافته است. ارقام مربوط به اندازه نیروهای افغان به طور مداوم با مشکل جنگجویان به اصطلاح «شبح» مخدوش می‌شد: سربازان و افسران پلیسی که در لیست کارمندان حضور نداشتند، فقط به این دلیل که افراد فاسد بتوانند حقوق خود را دریافت کنند. مبارزان «شبح» تنها حفره در رقم ۳۰۰۰۰ نفر نبودند. جابه‌جایی مداوم بالا در صفوف افغان به این معنا بود که در هر زمان، بسیاری از پست‌های نظامی و پلیس یا خالی بود یا توسط کارمندان قانونی که برای نبرد آماده نبودند پرمی شد.

همان‌طور که «وندا فلپاب براون» [۳] در «فارن افرز» [۴] توضیح می‌دهد، نیروهای امنیتی افغانستان نیز سال‌ها از پوسیدگی ناشی از بی‌کفایتی و فساد دولتی رنج برده‌اند، همچنین: شاید هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد که نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغانستان به این سرعت جمع شوند. اما برای چندین سال، نشانه‌هایی وجود داشت که طالبان از نظر نظامی در حال پیشرفت هستند و نیروهای دفاعی امنیت ملی از کاستی‌های مهمی رنج می‌بردند که نه تنها توسط دولت افغانستان نادیده گرفته شد، بلکه خود در حال تشدید آن بود. در دهه گذشته، از آنجا که ایالات متحده به تدریج نیروهای خود را از افغانستان خارج کرد و کار اداره کشور به طور فزاینده‌ای به دست دولت افغانستان افتاد، طبقه حاکم در کابل ترجیح داد که ارتش را اصلاح نکند یا حکومت‌داری را بهبود بخشد. در عوض، رهبران سیاسی بر کسب قدرت و پول برای خود و حمایت از دسته‌های خود متمرکز شدند. آنها دائماً به دنبال ایجاد بحران‌های سیاسی یا فلج‌اداری بودند تا حمایت و رانت بیشتری از دولت مرکزی بگیرند. ظاهراً سربازان و افسران پلیس درجه یک افغان به خوبی از این فساد، چه در دولت و چه در داخل نیروهای امنیتی دفاعی، آگاه بودند و برای روحیه معجزه‌ای ایجاد نکرد. زمانی که ایالات متحده شروع به عقب‌نشینی کرد و طالبان شروع به پیشروی کرد - بنا بر گزارش‌ها، عفو و حتی پول نقد برای نیروهای امنیتی ضعیف که به برخی از آنها ماه‌ها حقوق نگرفته بودند، پیشنهاد دادند تا سلاح‌های خود را زمین بگذارند و به خانه بروند - جای تعجب نیست که همین اتفاق افتاد.

«استیون بیدل» [۵]، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه کلمبیا: «وقتی ایالات متحده عقب‌نشینی کامل را اعلام کرد، این سیگنال را به سربازان و پلیس افغان فرستاد که پایان نزدیک است و انگیزه ضعیف مژمن را به سقوط حاد تبدیل کرد زیرا هیچ‌کس نمی‌خواست